

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق روزنامه

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ • ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ • ۸ ژوئن ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۲۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۰۴ • اذان صبح فردا ۳:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

گرم‌شدن اقلیمی و بحران انرژی ایران در سال ۱۴۰۴



مهدی زارع

مدل‌های بین‌المللی مانند پیش‌بینی‌های فصلی ECMWF عموماً بارندگی کمتر از حد نرمال را برای بهار ۱۴۰۴ در بیشتر نقاط کشور نشان داده‌اند. تابستان در ایران به طور طبیعی خشک است، بنابراین پیش‌بینی می‌شود که دوره حیاتی برای پرکردن مجدد (پاییز، زمستان، بهار) به خوبی به پایان نرسد. ایران با سرعتی سریع‌تر از میانگین جهانی در حال گرم‌شدن است. انتظار می‌رود تابستان ۱۴۰۴ به دلیل تغییرات اقلیمی و احتمالاً تحت اثر ال‌کنوهای ال‌نینو، گرم‌تر از حد نرمال باشد. دمای بالاتر به طور چشمگیری میزان تبخیر از مخازن، دریاچه‌ها و رطوبت خاک را افزایش می‌دهد و کسری را تشدید می‌کند. مناطقی که به شدت به مخازن تخلیه‌شده در فلات مرکزی مانند اصفهان، یزد، خراسان، کرمان یا آب‌های زیرزمینی بیش از حد استخراج‌شده در بسیاری از دشت‌ها وابسته هستند، با شدیدترین کمبودها روبه‌رو خواهند شد. فرونشست زمین ناشی از استخراج بیش از حد آب‌های زیرزمینی ادامه خواهد یافت. تا دهم خرداد ۱۴۰۴ سدهای اصلی ایران تقریباً ۴۲ تا ۵۸ درصد از کل ظرفیت خود آب در خود جای داده‌اند. ظرفیت کل مخزن حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب است و ذخیره فعلی حدود ۲۲ تا ۲۲

رسانه‌خوانی

لزوم روشن شدن مرزهای تار قانون مطبوعات

اجتماعی داخلی یا خارجی وابسته به آن، مشمول حمایت‌ها و قواعد قانون مطبوعات است؟ این پرسش، هرچند در ظاهر فنی است، اما عملاً ناظر به یک مرزبندی حقوقی بسیار مهم است. مرز میان نظام دادرسی مطبوعاتی که اصل را بر آزادی بیان می‌گذارد و حمایت‌های خاصی برای روزنامه‌نگاران قائل است، با نظام دادرسی عمومی که قواعد سخت‌گیرانه‌تری دارد. از سوی دیگر، ارتباط حقوقی مهمی با موضوع حقوق شاکلی و مشتکی‌عنه دارد. براساس تبصره ۴ ماده یک قانون مطبوعات، خبرگزاری‌های داخلی که با مجوز وزارت ارشاد فعالیت می‌کنند، مشمول احکام قانون مطبوعات هستند. در نتیجه، از منظر قانون‌گذار، ماهیت رسانه‌ای این نهادها برای برخورداری از حمایت‌ها و ضوابط خاص حقوق مطبوعات کفایت می‌کند. اما ماده یک همین قانون، در تعریف نشریات، شرایطی از قبیل «انتشار منظم»، «نام ثابت»، «تاریخ مشخص» و «شماره مسلسل» را ذکر کرده است. این شرایط، هنگامی که صحبت از نشریه چاپی باشد، به‌سادگی احراز می‌شود اما در فضای مجازی، به‌ویژه در قالب کانال‌های تلگرامی، این موارد چندان شفاف نیست. در این‌نامه قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۹۵ هم معیارهایی برای نظم در انتشار برای رسانه‌های چاپی و دیجیتال بیان شده، اما فی الواقع موضوع کانال‌های خبری متعلق به رسانه را که در پیام‌رسان‌ها یا شبکه‌های اجتماعی داخلی یا خارجی وجود دارد به‌خوبی تبیین نکرده است. اگرچه در روبه موجود قضائی، اختلافی مبنی بر اینکه پیام‌رسان‌های داخلی در حوزه مجوز مطبوعاتی قرار دارند و از نظام دادرسی آن بهره‌مند می‌شوند، وجود ندارد. اما درباره پیام‌رسان‌های خارجی، به‌خصوص پیام‌رسان‌های فیلترشده، اختلاف نظر وجود دارد. دراین‌میان، نظریه‌های تفسیری و روبه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین این وضعیت ایفا کرده‌اند. در یک نظریه مشهورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه تصریح می‌کند: مطابق موازین قانونی، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نیاز به اخذ مجوز ندارد و نظام تعقیبی (پسینی) بر آنها حاکم است؛ اما در مطبوعات چنین نیست و نظام حقوقی صدور مجوز وجود دارد، بنابراین به جز ممنوعیت‌های قانونی یا قضائی دسترسی به برخی شبکه‌های اجتماعی، چنانچه انتشار مطالب از سوی رسانه‌های دارای پروانه انتشار در شبکه‌های اجتماعی با تعریف نشریات الکترونیکی مذکور در ماده یک اصلاحی مصوب ۱۳۸۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ منطبق باشد و درواقع، زمینه ارائه نشریه الکترونیکی باشد، تحت شمول قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی است؛ در غیراین‌صورت، وفق تبصره ۲ الحاقی مصوب ۱۳۷۹ به ماده یک قانون مطبوعات و تبصره ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۹۵ هیئت وزیران، صرفاً ارائه تمام یا قسمتی از مطالب یک نشریه در فضای مجازی، به دلیل انطباق نداشتن

حسین بشیری، وکیل پایه یک دادگستری؛ در دهه گذشته، زمینه فعالیت، نوع فعالیت و ماهیت رسانه‌ها به شکلی بنیادین تغییر کرده است. با گسترش پیام‌رسان‌هایی مانند تلگرام واتساپ و شبکه‌هایی مانند اینستاگرام و فعالیت افرادی در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان «انسان‌سانه»، بسیاری از رسانه‌های رسمی کشور که دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، ناگزیر فعالیت رسانه‌ای خود را از چارچوب سنتی (روزنامه، خبرگزاری، سایت رسمی) فراتر برده و سعی کرده‌اند در دیگر بسترهای انتشار و آگاهی‌بخشی مانند شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. این تحولات البته تنها یک مسئله فنی یا رسانه‌ای نیست، زیرا می‌تواند آثار حقوقی و قضائی مهمی در پی داشته باشد. حضور رسانه‌ها در پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی و اقدام به انتشار محتواهای تولیدی در این بسترها موجب شده است که این نوع فعالیت دارای ابعاد حقوقی متفاوتی باشد؛ به گونه‌ای که می‌تواند دارای شقوق متعدد باشد. این موضوع در چند سال اخیر موجب شده است که پرونده‌های متعدد قضائی شکل بگیرد و درباره آن نظریات مشورتی و نشست‌های قضائی متعددی برگزار شود. در شهرهایی مانند تهران که دادرسای ویژه فرهنگ و رسانه وجود دارد، تا حدی روبه قضائی به یک وحدت مشخص رسیده و اهالی رسانه و فعالان این عرصه با روند قضائی آشنا شده‌اند، اما متأسفانه در اکثر حوزه‌های قضائی کشور که دادرسرا یا شعب ویژه برای رسیدگی به این نوع پرونده‌ها وجود ندارد، نظام دادرسی حاکم بر این نوع پرونده‌ها از مسیر قانون مطبوعات محسوب نشده و موجب می‌شود که حقوق رسانه‌های محلی و استانی یا رسانه‌های سراسری که در این حوزه‌های قضائی برای آنها پرونده تشکیل می‌شود، به‌خوبی استیفا نشود. این تفاوت‌ها در موضوع دیگری هم اثرزبان بار خود را بروز می‌دهد؛ زیرا مثلاً ممکن است یک رسانه دارای مجوز، که نه نظم در انتشار دارد و نه فعالیت اصلی آن انجام امور رسانه‌ای بوده و فقط در شرایط خاص و برای کسب منفعتی تولید محتوا می‌کند، از مواهب قانون مطبوعات بهره‌مند نشود، اما یک رسانه محلی یا استانی که دارای یک کانال خبری یا صفحه اختصاصی در شبکه‌های اجتماعی است و هم نظم در انتشار دارد و واقعاً به فعالیت رسانه‌ای می‌پردازد، از این امتیاز محروم نشود. یا اینکه حتی ممکن است به واسطه اینکه فرد شاکلی محل وقوع جرم را در یک شهرستان ذکر کند و ممکن است پرونده در آن حوزه قضائی تشکیل شده و رسانه مشتکی‌عنه را از مزیت‌های قانون مطبوعات محروم کنند. اما موضوعی که از لحاظ ابعاد حقوقی به نظر می‌رسد باید تشریح و تبیین شود. این است که آیا شکایت از محتوای منتشرشده از سوی یک رسانه دارای مجوز رسمی، در یک شبکه



کشف گودالی در دریاچه ارومیه باعث حیرت و نگرانی شهروندان و فعالان محیط زیست شده است. این گودال که حدود ۸۰۰ متر از ساحل غربی دریاچه ارومیه فاصله دارد، قطری ۱۰ متری و عمق نزدیک یک‌ونیم متر دارد. شوری آب و وجود آرتزیا در آب این گودال شایعه پدیده غیرعادی‌بودن آن را رد می‌کند. دمای آب این گودال‌ها ۲۷ درجه و ۴۶ ماه قبل با دخالّت انسانی ایجاد شده است. عکس: مهرداد تبریزی، میزان

هنرخوانی

پایان سرگذشت ندیمه

و حسرت به‌جامانده

گیسوفغفوری

شاید بدترین پایان برای سربالی که هشت سال طول کشید، همین پایان بی‌شکوه «سرگذشت ندیمه» باشد. وقتی سربالی که چنین فصل اول باشکوه و خیره‌کننده‌ای داشت، این چنین پایان می‌یابد، حسرتش بر دل کسانی مثل من که ۶۶ قسمت پای آن نشستیم‌ایم، می‌ماند. فصل دوم سربال رفّت انگیز بود، اما این فصل برای کسانی که دنبال یک پایان آرمان‌گرایانه بودند، ناامیدکننده هم بود. ناامیدکننده نه از آن نظر که با پایان باز تمام شد، بلکه از آن نظر که انکار قرار نیست تلاش‌کنندگان آزادی در لحظه نهایی قدر ببینند. بسیاری از آنان بی‌آنکه نامی داشته باشند، جان‌شان از دست می‌رود و فراموش می‌شوند. دست آخر آن سلب‌بیتی معروف است که تجلیل می‌شودا ناامیدکننده از آن نظر که به افتخار رسیدن به بخشی از آزادی، یک شادی جمعی لازم بود. اما حتی همان هم دریع شد.

در این فصل سربال انکار فقط یک شخصیت وجود داشت؛ «جون آزیبون»، دیگران انکار هیچ بودند و کارگردان و نویسنده نقشی برای تلاش‌های‌شان برای رهایی قائل نشده بودند. از مویرا، دوست، و لوک، همسر جون، تا عمه مارتا، از ارش مخفی می‌دی یا حتی فرمانده ارشد لورنس! در لحظه آخر فقط باید چهره «جون» بر صفحه تلویزیون نقش می‌بست و صحنه‌ای برای احساس جمعی در سربال در نظر گرفته شد.

اما این تنها نقطه ضعف سربال نبود. تکلیف نویسنده با شخصیت «سرترا جوی» (با بازی فوق‌العاده ایوون استرافوفسکی) معلوم نیست. چرا مثل یک فرد مستأصل مدام تغییر عقیده می‌دهد؟ آیا او یک سیاست‌مدار زیرک است یا یک زن تغییرکرده؟ چرا درست در لحظه‌ای که جانش در خطر است، شروع به سخنرانی می‌کند و از اهداف گیلیاد دفاع می‌کند؟ اگر این عقیده را دارد، چرا بعداً به جون کمک می‌کند؟ او انسانی متزلزل است. سیاست‌مدار است. تحت تأثیر تبلیغاتی است که خودش در خلق آن نقش داشته، مشتاق محبت است یا دوستدار تغییر گیلیاد و جبران فاجعه‌ای که به وجود آورده؟ تکلیف نویسنده یا او مشخص نیست!

امان از کلوزآپ‌های این فصل سربال! کلوزآپ‌هایی که حتی صورت بازیگران کامل نبود، یا پشانی‌شان می‌رفت یا چانه‌شان! اصلاً هدف از این‌همه کلوزآپ چه بود؟

مگر می‌شود در گیلیاد خبری از دوربین نباشد؟ همه می‌رفتند و می‌آمدند، بدون اینکه گیر ببفتند؟ در پارکینگ، در خانه فرمانده یا خیابان و... از مرز ردشدن که خیلی آسان بود. شاید نویسنده این فصل واقعا ضروری از نحوه زندگی در کشورهای تحت سلطه ندارد. راستی یک صحنه آن خیلی برای ما آشناست، آنجایی که کشورها نمایندگان برای دین بیت‌الحجم جدید می‌فرستند و مراسم بازگشایی معرفتی آن می‌شود. چند نطق معمولی درباره حقوق بشر انجام می‌شود اما معلوم است که تصمیم از قبل گرفته شده است؛ مثلاً کانادا به‌عنوان مهم‌ترین همسایه تصمیم گرفته به قدرت گیلیاد تن دهد، تا حدی به خاطر توافق‌های تجاری سودآور، شاید هم واقعاً باور کرده که میزان زاد و ولد در گیلیاد دو برابر شده و به دنبال بهبود روابط با همسایه مستبد خود است. با تمام این‌ها یک سربال مهم این روزها به پایان رسیده است. شاید بعدتر اسپین‌آف آن بیاید یا کسی پیدا شود که سرگذشت هانا را پیگیری کند یا سرگذشت فرزندی که از فرمانده نیک و جون به وجود آمده و در آلاسکا در اردوگاه پناهندگان است.

سرنوشت شخصیت‌های این سربال رها شد و همه چیز پایان باز بود. ولی دست‌کم یک اتفاق مهم در پایان فصل رخ داد و هرکسی می‌تواند پابانی برای خانواده ازهم‌گسسته و مردم کشور تصور کند.

البته منتقد کاردین معتقد است:

«انتظار نداشته باشید که دگرگونی ریشه‌ای رخ دهد؛ سربال همان کاری را می‌کند که همیشه کرده: امید را له می‌کند»، اما این پایان از منطری می‌تواند نقطه قوت سربال باشد. این پایان نشان می‌دهد خبری از پایان خوش پس از جنگ برای آزادی نیست.

خبری از راه آسان برای رسیدن به آزادی نیست. آنچه می‌ماند، مرگ است، ویرانی است، از بین رفتن دوستان و نزدیکان است، خون است که در خیابان‌ها ریخته می‌شود، ساختمان‌هایی است که فرو می‌ریزد و جان‌های بسیاری است که به خاطر تلاش برای آزادی از دست می‌رود.

یکی از محیط‌بانان شهرستان دماوند در حین گشت‌زنی و بررسی آبنشخورهای حیات وحش در منطقه شکارممنوع کوه سفید، با مشاهده یک قلاذه پلنگ در فاصله کمتر از ۱۰ متری روبه‌رو شد. محیطبان که قصد تصویربرداری با تلفن همراه خود را داشت، با واکنش پلنگ مواجه شد که بلافاصله متوجه حضور انسان شده و به سمت صخره‌ها و ارتفاعات منطقه حرکت کرده و محل را ترک کرد.

شش فیلم‌نامه «سال کیسه» به کارگردانی و نویسندگی محمدمسّام قربیان، «دز شورش» به تهیه‌کنندگی علیرضا قاسم‌خان، «خلع لباس» به تهیه‌کنندگی سینا سهیلی و کارگردانی سعید سهیلی، «پاپاسی» به کارگردانی حسین بخشی‌پور، «جهیزیه» به کارگردانی امین قوامی دهکردی و «زنک تفریح» به تهیه‌کنندگی احسان ظلی‌پور، موافقت شورای پروانه فیلم‌سازی سینمایی را اخذ کردند.

وزیر نیروی هوایی آمریکا به قانون‌گذاران گفته که احتمالاً هزینه مناسب‌سازی هواپیمای لوکس قطری که دونالد ترامپ از قطری‌ها هدیه گرفته و قرار است به‌عنوان ایرفورس وان استفاده شود، کمتر از ۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود. تروی مینک تأکید کرده که بسیاری از اطلاعات محرمانه هستند اما تخمین‌ها مبنی بر هزینه بیش از یک میلیارد دلار بالا و غیرواقعی است.

✿ **این مطلب در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.**

شبکه خوانی

یک پیشنهاد

به دست‌اندرکاران پروژه

شبیه‌سازی جهنم*



فردین علیخواه

جامعه‌شناس

«ارزیابی تأثیرات اجتماعی» (social impact assessment) به زبان ساده، پیش‌بینی آثار اجتماعی یک پروژه یا تصمیمی معین (قبل از اجرا) است. در ایران این نوع ارزیابی‌ها را غالباً با عنوان «پیوست اجتماعی»، در مواردی «پیوست فرهنگی» و در مواردی نیز «پیوست اجتماعی-فرهنگی» می‌شناسند که در دنیا با همان عنوان «ارزیابی تأثیرات اجتماعی»(SIA) شناخته می‌شود.

ارزیای تأثیرات اجتماعی معمولاً در سه مرحله از یک پروژه انجام می‌شود یا می‌تواند انجام شود: نخست قبل از اجرا یعنی در فاز صفر پروژه؛ در این مرحله چشم‌اندازی از آثار و پیامدهای مختلف پروژه بر گروه‌های مختلف اجتماعی تدوین می‌شود تا مجری شناخت روشنی از پیامدها به دست آورد. همچنین شیوه‌های تعدیل یا حل پیامدهای منفی و تقویت پیامدهای مثبت بررسی می‌شود.

دوم در حین اجرا: گاهی پروژه‌ها به هنگام یا در حین اجرا هم پیامدهایی به ویژه بر اجتماع پیرامون و زندگی روزمره مردمان اطراف خود دارند که این ممکن است موجب نارضایتی اجتماعی و بازتاب رسانه‌ای منفی شود. در این مرحله نیز شیوه‌های حل و تعدیل تضاد و تعارض توسط تیم ارزیابی بررسی می‌شود.

سوم، پس از بهره‌برداری: مدتی پس از بهره‌برداری و افتتاح یک پروژه نیز می‌توان ارزیابی تأثیر اجتماعی انجام داد. در این مرحله آثار اجتماعی شناخته‌شده در مرحله نخست بازبینی و بحث می‌شود. در هر صورت هر مطالعاتی از درصد خطایی برخوردار است. در این مرحله به آثار اجتماعی وقوع‌یافته ولی دیده‌نشده در مرحله نخست، توجه می‌شود و راهکارهای حل آنها بررسی می‌شود.

تأکید می‌کنم تیم ارزیابی، در هر سه مرحله از مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی می‌تواند گزینه عدم اجرا (No Action) و یا توقف (stop) را به کارفرما پیشنهاد دهد.

ما دقیق نمی‌دانیم که برای پروژه شبیه‌سازی جهنم در زیاشهر فومن در گیلان گزارش ارزیابی تأثیر اجتماعی (پیوست اجتماعی- فرهنگی) تهیه شد یا خیر؟ نمی‌دانیم پس از بهره‌برداری جلسه‌ای با متخصصان و کارشناسان تشکیل شد یا خیر؟ متولیان صرفاً آمدند و از نیکی‌های پروژه گفتند بدون اندکی توجه به واکنش‌های اجتماعی و بازتاب گسترده رسانه‌ای آن.

می‌گویند چرا دانشگاهیان خودشان را کنار کشیده‌اند و در بهترشدن تصمیم‌گیری‌ها مشارکت ندارند. آنچه می‌گویم را نشانه مشارکت فرض کنید. به عنوان فردی که سال‌ها در عرصه ارزیابی تأثیرات اجتماعی تجربه دارم عرض می‌کنم؛ اگر من در مقام کارشناس ارزیابی تأثیرات اجتماعی این پروژه حتی در این مرحله یعنی پس از بهره‌برداری (فاز کنونی پروژه) بودم بی‌تردید برای آن گزینه «توقف پروژه» را انتخاب می‌کردم. تعارض اجتماعی و تضاد حاصل از این پروژه آن قدر زیاد است که دلسوزانه‌ترین و مشفقانه‌ترین گزینه برای کارفرما/متولی گزینه توقف است. بی‌شک کارفرما بنا به ملاحظات و نگرانی‌هایی (فرهنگی) این پروژه را ساخته است. با آنچه پس از افتتاح بر این پروژه گذشته، اطمینان داشته باشد که هیچ‌کدام از آن اهداف نه تنها تحقق نخواهد یافت بلکه پیامدهای معکوس انبوهی در انتظار پروژه است.

✿ **این مطلب در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.**